

## کلام مرحوم نائینی

۱. مرحوم نائینی ابتدا می‌نویسد که در این مسئله، ۴ قول وجود دارد:

یک) استعمال عام و اراده برخی از افراد، حقیقت است مطلقاً

دو) استعمال عام و اراده برخی از افراد مجاز است مطلقاً

سه) اگر مخصص متصل باشد، استعمال عام و اراده برخی از افراد، حقیقت است و اگر مخصص منفصل باشد، مجاز است.

چهار) اگر تخصیص به وسیله استثناء باشد، استعمال حقیقت است و اگر به وسیله اداة دیگر باشد، مجاز است.

۲. لازم است اشاره کنیم که مرحوم مظفر در اصول فقه به قول دیگری هم اشاره می‌کند:

پنج) اگر مخصص منفصل است، استعمال حقیقت است و اگر مخصص متصل است، استعمال مجاز است. (عکس قول سوم)

۳. مرحوم نائینی سپس قائل به «حقیقت بودن استعمال عام و اراده‌ی برخی از افراد» می‌شود و ادله‌ای را بر مختار خود ارائه می‌کند. مهمترین دلیل ایشان چنین است:

«ان العموم فی العام المخصص و ان لم یکن مراداً للمتکلم بالإرادة الجدیة إلا انه مراد له

بالإرادة الاستعمالية دائماً و المیزان فی کون اللفظ حقیقة انما هو استعماله فی ما وضع له و ان

لم یکن المستعمل فیہ مراداً للمتکلم بالإرادة الجدیة»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. در «اکرم العلما الا الفساق منهم» و همچنین در «اکرم العلما و لا تکرّم الفساق منهم» (به صورت منفصل)،

همواره در معنای عام استعمال شده است (استعمال در موضوع له) و اگر «برخی از افراد» اراده شده‌اند،

این مربوط به اراده جدی است.

۲. و ملاک در حقیقت و مجاز، «استعمال در موضوع له» است و نه تطابق اراده جدی و اراده استعمالی.

ما می‌گوییم:

مرحوم خوئی در پاورقی اجود التقریرات در توضیح نظر استاد خود می‌نویسد:

۱. اجود التقریرات، ج ۱، ص ۴۴۶



«ان لكل لفظ دلالتين إحداهما دلالة على ان المتكلم به أراد به تفهيم معناه و ثانيهما دلالة على ان تلك الإرادة إرادة جدية و غير ناشئة من الدواعي الأخر كالامتحان و السخرية و نحوهما»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. [غیر از دلالت تصویری هر کلام، برای کلام دو نوع دلالت دیگر موجود است]
۲. هر لفظی دو دلالت دارد. یکی اینکه متکلم اراده کرده است معنای لفظ را به مخاطب تفهیم کند و دیگری اینکه «معنایی که اراده کرده است مخاطب بفهمد، را جداً هم اراده کرده است»
۳. دلالت دوم، در حقیقت در مقابل احتمال آن است که شاید متکلم اراده کرده است که مخاطب معنای لفظ را بفهمد ولی می‌خواسته او را امتحان کند یا مسخره کند و ...

ما می‌گوییم:

۱. مرحوم خوئی چون وضع را «تعهد واضح به اینکه هرگاه خواست معنایی را تفهیم کند، از آن لفظ بهره بگیرد» معنی کرده است، دلالت اول را ناشی از وضع می‌داند
۲. در حالیکه به نظر می‌رسد، آنچه وابسته به وضع است دلالت تصویری است و هر دو دلالت تصدیقیه، ناشی از بنای عقلاست.
۳. به عبارت دیگر وضع ایجاد رابطه بین لفظ و معنی است (یا جعل هوهویت و یا جعل علامت) و لذا اگر این لفظ از وزیدن باد در لای درختان و یا از انسان خواب هم شنیده شود، معنای خود را به اذهان منتقل می‌کند (دلالت تصویری)

ولی بعد از اینکه شنونده احراز کرد که متکلم با اراده خود کلمه را استعمال کرده است، به سبب اینکه بنای عقلا خطای متکلم را نفی می‌کند، می‌فهمد که متکلم این کلمه را در معنای موضوع له استعمال کرده است (دلالت تصدیقیه مبنی بر اینکه متکلم اراده استعمالی دارد) و به سبب اینکه بنای عقلا، بر این استوار است که متکلم در مقام شوخی و تمسخر و یا امتحان نیست، می‌فهمد که متکلم معنای این کلمه را «جداً» اراده کرده است (دلالت تصدیقیه مبنی بر اینکه متکلم اراده جدی دارد)

۴. حال: وقتی کلامی صادر می‌شود، اگر معنای موضوع له (دلالت تصویری) را نرساند، لفظ مهمل است ولی اگر معنای موضوع له را منتقل کند ولی قرینه‌ای از پیدایش دلالت تصدیقیه اول (اراده استعمالی) مانع شود، در این صورت مجاز (طبق مبنای مشهور) حاصل شده است ولی اگر اراده استعمالی کامل شود به

۱. همان، پاورقی



این معنی که احراز کنیم که بنای عقلا مبنی بر اینکه «متکلم آنچه را گفته است، در معنای موضوع له استعمال کرده است و گرفتار خطا نشده است» (و می‌دانیم اراده معنای غیر موضوع له در کنار عدم نصب قرینه خطا می‌باشد) و قرینه‌ای مانع از آن نشود، در این صورت استعمال حقیقی است، ولی باز برای اینکه بخواهیم به دلالت تصدیقیه دوم (اراده جدی) دست پیدا کنیم لازم است تا به اصل عقلائی «تطابق اراده جدی و اراده استعمالی» تمسک کنیم. و اگر قرینه‌ای مانع از جریان این اصل شد، لفظ در معنای حقیقی استعمال شده است ولی ما نتوانسته‌ایم اراده جدی متکلم را احراز کنیم.

